

تأثیر اصول و قواعد فقهی در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری اسلامی (مطالعه موردی: محدوده پیاده‌راه پانزده خرداد تهران)

تاریخ دریافت: ؟

تاریخ تأیید: ؟

اصغر مولائی*
حسین خانی**

چکیده

شهر به‌عنوان یکی از کهن‌ترین دستاوردهای بشری نمایانگر ویژگی‌های فکری، اعتقادی و زیستی مردم ساکن در خود می‌باشد. شکل‌گیری و رشد آن بر مبنای ویژگی‌های اقلیمی، اعتقادی، دینی و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع بوده است. دانشمندان و متفکرین اسلامی و شهرشناسان مسلمان در طول تاریخ به دنبال ایجاد شهرهایی آرمانی و بارویکرد اسلامی بوده و در این راه نگاه عمیقی به اصول فقهی و آیین اسلامی در ایجاد و شناخت شهر داشته‌اند. شهر اسلامی برای تجلی بخشیدن به ارزش‌های مورد احترام جامعه مسلمانان، به‌طور مداوم راه‌ها و روش‌های مناسب زمان و مکان را می‌جوید. هدف این پژوهش شناسایی و کاربرد اصول فقهی مؤثر بر برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری اسلامی است که با روش پژوهش تحلیل محتوای متون و استدلال منطقی و شیوه‌های مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی انجام می‌شود. در این راستا پرسش اصلی پژوهش عبارت است از اینکه قواعد فقهی مترتب بر فضاهای شهری کدام‌اند و هرکدام بر چه جنبه‌های از شهر اثر دارند؟ فقه و قواعد با تعیین کلیات مربوط به هر موضوع، نحوه کار و اصول مهمی که باید در طراحی و برنامه‌ریزی شهرها رعایت شود را مشخص می‌کنند؛ از این رو قواعد فقهی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع برای استخراج احکام و روش‌های اجرایی کاربرد دارند. در این پژوهش سعی بر آن بوده است که با مراجعه به قواعد فقهی مرتبط با شهر و بالخصوص فضای شهری، تبیین شود که فضای شهری از نظر فقه اسلام باید به چه شکل طراحی و برنامه‌ریزی شود تا بتواند در نیل به هدف والای شهر اسلامی موفق باشد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که اصول فقهی

۱۵۳

حقوق اسلامی / سال نوزدهم / شماره ۷۲ / بهار ۱۴۰۱

* استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز/ نویسنده مسئول (a.molaei@tabriziau.ac.ir).

** دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز
(hsnkhani.eng@gmail.com).

همچون لاضرر و لاضرار، تسلیط، تسبیب، لاجرح، اتلاف، محرمیت و... قواعدی هستند که بر فضای شهری و شکل‌گیری اثر دارند. همچنین مطالعه قواعد فوق مؤید این موضوع بود که قواعد فقهی مزبور بر موضوعاتی همچون میزان ارتفاع ابنیه، جانمایی و نحوه طراحی و ساخت آنها، آسیب‌های احتمالی ابنیه و پروژه‌ها به شهروندان و یا دارایی آنها، جلوگیری از تجاوز به حریم مردم، امکان دسترسی تمامی اقشار به فضاهای شهری، امکان تسلط شهروندان بر املاک خود و نحوه طراحی و نوع کاربرد (به قسمی که مانعی برای منافع عمومی نباشد) و... مؤثرند؛ از این رو چنانچه مدیریت شهری در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری توجه ویژه‌ای به این موضوعات داشته باشد، می‌توان اثرات مفید آنها بر فضاهای شهری و در نتیجه بروز مشکلات شهری کمتر را شاهد بود.

واژگان کلیدی: شهر اسلامی، قواعد فقهی، فضای شهری، برنامه‌ریزی و طراحی شهری.

فضای شهری به‌عنوان بستر زندگی و فعالیت شهروندان باید بتواند با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های میان افراد و گروه‌های سنی، جنسی، اجتماعی و... محیطی امن، سالم، پایدار و جذاب را برای همه افراد فراهم کند و به نیاز تمامی اقشار اجتماعی پاسخ مناسب داده و پاسخ‌گوی حداقل نیازها باشد (ورشوی، ۱۳۸۹، ص ۲)؛ از این رو این در طراحی و ساماندهی این فضاها باید شرایط و ویژگی‌های مختلف اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی، محیطی و... را مورد توجه قرار داده تا فضایی مردم‌پذیر و جذاب ایجاد نمود.

اسلام و فقه اسلامی تقریباً در ارتباط با کلیه موضوعات بشری نظر دارد. با توجه به اینکه قواعد فقهی، از لحاظ رتبه، متأخر از مسائل شرعی هستند، با روشن شدن اهمیت فقه در تمدن اسلامی، اهمیت قواعد فقه نیز در این تمدن عظیم روشن می‌شود. فقه اسلامی مبین تمامی احکام و مسائل مربوط به افعال مکلفان است، به طوری که اگر وارد هر عرصه‌ای از امور و افعال مکلفان چون عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، حقوق و... شود، می‌تواند پاسخ‌گوی احکام شرعی آن مسائل باشد (ایزدی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱) شهر نیز به‌عنوان دست‌سازهای بشری در این بین مستثنی نیست. آیات و روایات فراوانی وجود دارند که درباره شهر و زندگی شهری و نحوه ساخت و اداره آن صحبت نموده که به‌کارگیری آنها می‌تواند در کمک به مدیریت شهری و ایجاد شهری با ویژگی‌های شهر

اسلامی یاری رسان باشد. شهر اسلامی همان‌طور که از نامش برمی‌آید، بستری است که در آن اصول و فلسفه اسلامی جاری و ساری بوده و اجزاء آن نیز در این مسیر برنامه‌ریزی می‌شوند. «فقه شهرسازی» که یکی از زیر شاخه‌های «فقه تمدنی» است، این رسالت را بر عهده دارد تا با روش اجتهادی، اصول مد نظر اسلام در حوزه شهرسازی را از منابع معتبر اسلامی استخراج و در اختیار مجریان امر قرار دهد (عندلیب، ۱۳۹۷، ص ۱). فضای شهری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اجزاء شهر اسلامی مورد توجه اندیشمندان حوزه شهر می‌باشد؛ از این رو این پژوهش به دنبال آن است که مشخص نماید که در مدیریت و برنامه‌ریزی این دسته از عناصر شهری کدام یک از اصول فقه اسلامی به کار می‌آیند. شهر اسلامی از ارتباط شهر به‌عنوان یک گستره جغرافیایی و اجتماعی با اصول و فقه اسلامی به‌عنوان چراغ هدایت رشد و تکامل شهری تشکیل شده است. مطالعه این موضوع که کدام اصول فقهی و به چه شکلی می‌توانند در شکل‌گیری و ساماندهی این شهر مؤثر واقع شوند، از جمله مهم‌ترین بخش‌ها در مطالعه یک شهر اسلامی می‌باشد. در فضاهای شهری امروزی آنچه که به‌عنوان یک حلقه مفقوده ملاحظه می‌شود، کاربرد اصول فقهی در طراحی و ساماندهی آنها می‌باشد زیرا آنچه که در طراحی این فضاها در حال وقوع است، تسلط الگوهای غربی در برنامه‌ریزی و طراحی آنها است. در این پژوهش بررسی شد که کدام قواعد و اصول فقهی در طراحی و ساماندهی فضای شهری کاربرد داشته و هر یک چه اثری می‌توانند بر فضای شهری داشته باشند؟ بنابراین به منظور تحقق فضایی شهری که بر مبنای اصول فقه و شریعت اسلامی طراحی شده باشد، ابتدا باید این اصول را شناخت تا بتوان بر مبنای تأثیر صحیح آنها بر این فضاها سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی نمود.

۱. روش‌شناسی

آنچه که در این پژوهش به‌عنوان سوال تحقیق مورد نظر می‌باشد این است که «کدام قواعد فقهی در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری مورد استفاده قرار می‌گیرند و به چه شکلی اثر می‌گذارند؟» در این راستا با استفاده از شیوه مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای به کنکاش کتب و مقالات مرتبط اقدام و سپس با استفاده از روش تحلیل محتوا متون و استدلال منطقی به همراه بررسی نظریات صاحبان امر و مطالعه میدانی پیاده‌راه ۱۵ خرداد تهران، به میزان کاربرد و اثربخشی این اصول و قواعد پرداخته شد. لازم به ذکر است در این بین سعی بر آن بوده با مصاحبه با اساتید خبره و صاحب نظر،

موضوعات مورد نظر تدقیق و مورد واکاوی قرار گیرد.

۲. پیشینه تحقیق

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش در خصوص موضوع پیاده راه‌های شهری

ردیف	پژوهشگران	موضوع پژوهش	محورهای مورد مطالعه	سال انجام پژوهش
۱	حسین عنذلیب	بررسی و تبیین اصول و قواعد شهرسازی از منظر فقه اسلامی	در این پژوهش عنوان شده که دولت‌ها برای آبادانی شهرها و فضاهای شهری معیارهایی دارند و سعی شده معیارهایی فقهی - اسلامی برای عمران و آبادانی شهر در ایران بیات شود	۱۳۹۷
۲	محمدمنان رئیسی	اندازه مطلوب شهر و حومه از منظر فقه شیعی	در این پژوهش چستی ابعاد شهر از نگاه فقهی و اندازه مطلوب فضاهای شهری از نگاه قواعد فقهی مورد بررسی قرار گرفته است	۱۳۹۴
۳	محمدمنان رئیسی	تحلیلی فقهی بر نامطلوب بودن توسعه عمودی بناهای مسکونی در شهر اسلامی	در این پژوهش الگوی توسعه عمودی ساختمان‌های شهری و بالاصح ساختمان‌های مسکونی از نگاه فقه اسلامی و مواردی که با آن منافات دارد مورد بررسی قرار گرفته است	۱۳۹۶
۴	حمید عزیزی بندرآبادی و حسن کریمیان	مطالعه میزان تأثیر فقه و قوانین اسلامی در ساختار محله‌ها و سازه‌های مسکونی بافت تاریخی شهر یزد، نمونه موردی: محله گلچینان شهر یزد	در این پژوهش اثر و کاربرد برخی اصول فقهی در ساخت دهی به محلات بافت شهر مورد بررسی قرار گرفته و عنوان شده است	۱۳۹۷
۵	محمد علی آبادی و مجید هاشمی طغراجردی	ضرورت رویکردی نو در تدوین قوانین و مقررات معماری اسلامی	در این پژوهش قاعده فقهی لاضرر و تأثیر آن بر حرایم خصوصی شهروندان از نگاه قانون مدنی مورد بررسی و سنجش قرار گرفته است	۱۳۸۹
۶	رضاعلی کرمی	آموزش و به‌کارگیری احکام فقهی؛ ایجاد انگیزش دینی برای تعامل مسئولانه و	در این پژوهش احکام فقهی که در ارتباط میان انسان و محیط زیست مؤثر می‌باشند معرفی شده و معیارهای آنها برای داشتن تعاملی مناسب با محیط زیست تبیین شده	۱۳۹۵

ردیف	پژوهشگران	موضوع پژوهش	محورهای مورد مطالعه	سال انجام پژوهش
		اخلاقی با محیط زیست	است	
۷	مهدی حقیقت بین و ایمان قلندریان گل خطمی	کاربرد فقه در تحقق منظر شهری امن	در این پژوهش به معرفی اصول شهر امن و قواعد فقهی مؤثر در دستیابی به امنیت در اسلام و اثر هر کدام بر تحقق منظر شهر امن ارائه شده است	۱۳۹۴

۳. چهارچوب نظری پژوهش

با توجه به مباحث مطالعه شده در پیشینه تحقیق و بررسی آنها مشخص شد در پژوهش‌های صورت گرفته مباحثی همچون فقه معماری فضاهای شهری، بایدها و نبایدها در خصوص نماها و جداره‌های شهری، نظر فقه اسلامی در خصوص ارکان مختلف فضاهای شهری، چیدمان و جانمایی کاربری‌ها در فضاهای شهری از نگاه فقهی و ... از جمله مواردی هستند که یا به طور کامل بررسی نشده و یا تنها از جنبه خاصی مورد پژوهش و واکاوی قرار گرفته‌اند. از اینرو در این پژوهش سعی بر آن شده اصول فقهی که می‌توانند ارتباطی با شکل‌گیری و طراحی فضاهای شهری داشته باشند مورد مطالعه قرار گرفته و اثربخشی آنها بر فضاهای شهری بیان شود که در ادامه مباحث به آنها اشاره می‌شود.

۳-۱. واژه‌شناسی

شهر اسلامی: [گستره‌ای است فیزیکی و جغرافیایی که] بازتابی از اندیشه‌های متعالی دین مبین اسلام در تمامی جوانب می‌باشد (حیدری، ۱۳۸۶، ص ۹۰). شهر اسلامی به شهرهایی اطلاق می‌شود که در سرزمین‌های دارای فرهنگ و اعتقادات نشأت گرفته از دین اسلام ایجاد شده و یا رشد یافته‌اند. این شهرها در ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی متأثر از حاکمیت فرهنگ اسلامی یا حکومت‌های اسلامی (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹، ص ۲-۳).

قاعده فقهی: قواعد فقهی قواعدی است که در راه به دست آوردن احکام شرعی الهی واقع می‌شوند، ولی این استفاده از باب استنباط و توسیط نبوده بلکه از باب تطبیق است. به بیان دیگر، قاعده‌ای است که اجرای آن میان مجتهد و مقلد مشترک است بر خلاف قاعده اصولی که مختص به مجتهد است (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۵).

فضای شهری: فضایی است در میان ساختمان‌ها که تمامی شهروندان امکان دسترسی و حضور در آن را داشته و دارای تعاملات اجتماعی است (لطیفی و خانی، ۱۳۹۴، ص ۲۱) این فضا گستره‌ای است کالبدی که حضور انسان به آن معنا داده و محدوده کالبدی آن مشخص می‌باشد.

۳-۲. شهر اسلامی

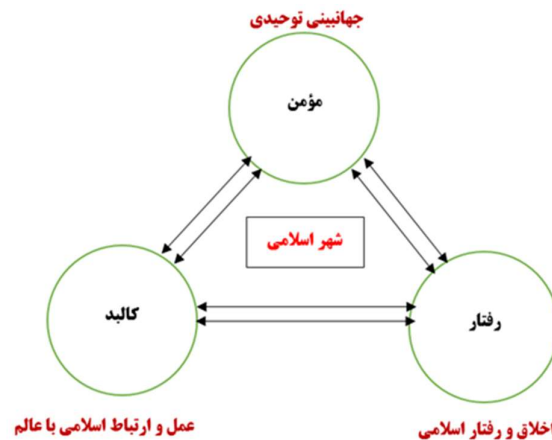
شهر اسلامی مفهومی برای معرفی شهرهای متأثر از فرهنگ و آموزه‌های دینی و ارزش‌های اسلامی بوده و برای شناخت آثار کالبدی، فضایی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی دین اسلام بر شهرها و تبیین الگویی برای تمایز شهرها از سایر شهرهای جهان، بررسی‌ها و تحقیقات متعددی انجام و تحلیل‌های گوناگونی ارائه شده است (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹، ص ۱) برخی شهر اسلامی را شهر زیبایی معرفی می‌کنند که سیزده صفت دارد: شهر تجلی توحید و وحدت، عبودیت و عبادت، تقوا، هدایت، ذکر و تفکر، عدالت، اصلاح، شکر، عبرت، امنیت، احسان، میانه و سادگی می‌باشد (عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶، ص ۴۱) بر اساس متون اسلامی، شهر اسلامی علاوه بر زیبایی، دارای دوازده صفت به شرح: شهر تجلی توحید، شهر عبودیت و عبادت، شهر تقوا، شهر هدایت، شهر ذکر و تفکر، شهر عدالت، شهر اصلاح، شهر شکر، شهر عبرت، شهر امنیت، شهر احسان، و شهر میانه می‌باشد (نقی زاده، ۱۳۷۸: ۲۱) طیفی دیگر، شهر اسلامی را بیانگر هویت ویژه فرهنگی، اجتماعی و تاریخی خاص ساکنان آن می‌دانند (خدایی و تقوایی، ۱۳۹۰، ص ۲۱).

شهر اسلامی و فضاها درون آن، خود را منتسب به دین الهی می‌داند؛ لذا باید متبلورکننده آن آیین باشد. پس مذهب و دین در فضا تجلی دارد و در مقابل نظام فضایی سکولار قرار می‌گیرد و حریم‌ها در آن رعایت شده و فضاها دارای سلسله مراتب عملکردی و دسترسی می‌باشند (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹، ص ۶). شهر مسلمین به شهری اطلاق می‌شود که دارای یک یا مجموعه‌ای از مشخصات زیر باشد: در دوره اسلامی ایجاد شده باشد، در دوره اسلامی رشد یافته باشد، توسط مسلمانان بنا شده باشد، در محدوده جغرافیایی ممالک مسلمان نشین واقع شده باشد و نهایتاً کم و بیش متأثر از تعالیم اسلامی و اصول و ارزش‌های منبعث از آن باشد (بمانیان، ۱۳۹۳، ص ۲). شهر اسلامی، شهری است که به‌طور نسبی، براساس اصول و آموزه‌های قرآنی و نبوی ساخته شده است (Jamalinezhad & others, 2012, p.33).

در الگوی شهر اسلامی، عامل مسلط دین اسلام است و به‌طور حتم تمام شاخص‌ها و عناصر

زندگی اجتماعی و کالبدی شهر براساس این عامل نظام و هویت می‌یابد (ایازی، ۱۳۷۸، ص ۹) بدین ترتیب شهر اسلامی ماهیتی است ثابت که در هر مکان و زمان تجلی ویژه خویش را خواهد داشت. به عبارت دیگر، شهر اسلامی ماهیتی است بالقوه که می‌تواند در هر زمان و مکانی و با توجه به فناوری و مصالح و دانش و هنر و فرهنگ بومی که با اصول و ارزش‌های اسلامی در تعارض نباشند، تفسیر و نمود خاص خویش را داشته باشد (نقی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۴۲).

بنابراین می‌توان بیان نمود که شهر اسلامی، گستره‌ای است که بر مبنای تعالیم و اصول فقه اسلامی شکل گرفته و شاخصه‌ها و تجلیات اسلامی در آن نمایان می‌باشد.



شکل ۲- عناصر تشکیل دهنده شهر اسلامی

Fig. 2- Elements of the Islamic city

بر مبنای این نمودار می‌توان گفت برای ظهور شهر اسلامی، انطباق و هم پوشانی سه فضا یا عنصر ضرورت دارد. این سه فضا عبارت‌اند از: فضای فکری، فضای عملی و فضای عینی یا فضای کالبدی؛ از این رو می‌توان ایمان اهل یک شهر را مهم‌ترین عامل و عنصر شکل دهنده و تعریف‌کننده شهر اسلامی نامید (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۵). اصلی‌ترین عوامل شکل دهنده شهر اسلامی در سه گروه اصلی قابل طبقه‌بندی‌اند که ملحوظ داشتن توأمان، متعادل و منطقی آن‌ها منجر به ظهور شهر اسلامی می‌شود:

۱. اولین عامل ایمان اهل شهر یا اصول ایمانی آنهاست که از آن به فضای فکری تعبیر می‌کنند.

فضای فکری حاصل حضور یا عامل ظهور مؤمن است.

۲. عامل دوم اصول عملی اسلام است که از آن به فضای رفتاری تعبیر می‌کنند. مقررات و قوانین و اصول اخلاقی، جزئیات این اصول‌اند و روابط مدیر شهر، اهل شهر و عالم ماده را تعریف و تبیین می‌کنند فضای حاصل از تأثیر این عامل را فضای عمل و رفتار اسلامی می‌نامند.

۳. سومین عامل کالبد شهر است که از آن به فضای عینی تعبیر می‌کنند. این کالبد توسط انسان (فضای فکری) و با رفتار اسلامی (عمل و اخلاق اسلامی) که تبیین‌کننده رابطه انسان با جهان خارج (اعم از جامعه و محیط مصنوع و طبیعت) است، منجر به ایجاد فضا و محیطی می‌شود که در عین حالی که از اصول اسلامی نشأت گرفته است به این اصول اشاره دارد و انسان را در مسلمان زیستن کمک می‌کند.

وحدت طبیعت، وحدت جامعه، وحدت کالبد شهر و امثال آنها، از جمله وحدت‌هایی هستند که لازم است در شهر اسلامی وجود داشته باشند تا بتوانند جامعه را به سمت وحدت اصلی رهنمون سازند هر چه مفهومی متضاد زیبایی دارد باید از شهر اسلامی زدوده شود. از دیگر صفات شهر اسلامی، ذکر و تفکر است. برخی معتقد هستند تجلی کالبدی این صفت در شهر اسلامی از سه طریق کلی به شرح زیر امکان پذیر است. تماس مداوم و نزدیک با طبیعت و عناصر طبیعی و توجه به قدرت گسترده آفریدگار جهان هستی که خود موجب ذکر در انسان می‌شود. بهره‌گیری از آیات قرآنی در ترکیب با سایر هنرها در جاهای مختلف شهر. بهره‌گیری از نمادها و نشانه‌هایی که معنای معنوی و روحانی را در خویش مستتر دارند (نقی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۳۶).

بنابر نظر استاد شهید مرتضی مطهری، اسلام دارای ۳ بخش اصلی بوده که در جدول ذیل بدان اشاره شده است؛ از این رو برای داشتن شهر اسلامی در معنای واقعی آن نیز بایدی این موارد و مصادیق آن در شهر را مورد بررسی و واکاوی قرار داده و تعریف نمود.

جدول ۱- ارکان دین اسلام (فلندریان گل خطمی، ۱۳۹۵، ص ۳؛ اقتباس از نظریه شهید مطهری)

ابعاد	هدف	مفاهیم و عناوین مرتبط
معارف و اعتقادات	گشودن پنجره‌های روشن به شناخت جهان و رسیدن به اندیشه‌ای کمال یافته و بدون نقص و فساد به نام ایمان	"مبدأ"، "معاد"، "وحی"، "نبوت"، "ملائکة" و "امامت" و "بهشت" و "دوزخ"
اخلاقیات و امور تربیتی	هدایت، کنترل، رشد و نهایتاً به کمال رسانیدن روح و روان انسان و به سامان نمودن مجموعه	تقوا، عدالت محوری، جود و سخا، صبر و استقامت بر مشکلات و رضایت مندی از نظام‌مندی جهان و

ابعاد	هدف	مفاهیم و عناوین مرتبط
	رفتارهای او در شکل متعالی و خداگونه	نظام‌مندی وقایع واقع‌شونده در آن
بخش احکام و قوانین علمی (فقه)	تعیین بایدها و نبایدها در چگونگی انجام رفتارهای فردی و اجتماعی مسلمانان و تعریف هندسه کمی و کیفی آنها	بایدها و نبایدها، حقوق، قوانین و مقررات موضوعه، ارزش‌ها و زیبایی‌های مادی و معنوی نظام زندگی اسلامی

چنانچه بخواهیم این سه بخش اصلی را در شهر متصور شویم، می‌توانیم به تقسیم‌بندی ذیل اشاره نماییم:

معارف و اعتقادات: توجه به ارزش‌هایی همچون نماز و عبادات در شهر با ایجاد فضاهای عبادتگاهی همچون مسجد.

اخلاقیات: افزایش میزان آموزه‌های اخلاقی - دینی همچون صداقت، عدالت، صبر، نوع دوستی و... در شهر با ایجاد فضاهایی بی‌آلایش جهت تعامل اجتماعی و ارتقای سطح فرهنگی

اصول فقهی: می‌توان بیان نمود که مهم‌ترین بخش در اثر آموزه‌های اسلامی در شهر مربوط به این بخش و بحث استفاده از قواعد فقهی در شهرسازی می‌باشد. این قواعد می‌توانند در شکل‌گیری و طراحی تمامی بخش‌های عمومی و خصوصی شهر اثرگذار باشند که در ادامه توضیحات آن ارائه می‌شود.

۳-۳. فضای شهری در شهر اسلامی

فضای شهری به باور اندیشمندان معماری و شهرسازی، فراتر از فضای کالبدی و مؤلفه‌های هندسی آن است. فضای شهری در یک تعریف عام، شامل فضای زندگی شهروندانی است که آگاهانه یا ناآگاهانه برای رسیدن به مقاصد مختلف طی می‌شود (پاکزاد، ۱۳۷۵: ۱۴) ماتین (Cliff Moughtin) خیابان‌ها، بلوارها، میدان‌ها، پارک‌های شهر به انضمام نماهای ساختمانی که آن فضا را تعریف کرده‌اند جزء فضای شهر و در حیطه مطالعات طراحی شهری می‌داند (گلکار، ۱۳۷۸: ۳) لنگ (John lang) نیز عرصه عمومی را متشکل از فضای بین ساختمان‌ها می‌داند (سلطانی و نامداریان، ۱۳۸۹: ۱۱).

فضای شهری، فضای خالی بین ساختمان‌ها نیست، بلکه مفهومی است در برگیرنده ی محیط کالبدی، فعالیت‌ها، رویدادها و روابط میان آنها (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۱۷) از نظر کالن (Gordon Cullen)، فضای شهری مهم‌ترین مکان برای نمایش دادن و اهمیت‌بخشیدن به رویدادها و

واقع‌های اجتماعی است) کالن، ۱۳۷۷: ۱۶) نکته مهم در موفقیت فضای شهری، وجود یک بستر تبادل و تعامل است. بدون حضور فعالیت‌های اقتصادی در سطوح و لایه‌های مختلف نمی‌توان فضای شهری ایجاد کرد. از آنجا که تبادل فقط در فعالیت‌های تجاری خلاصه نمی‌شود، فضاهای عمومی شهر باید امکان ایجاد ارتباطات اجتماعی و فرهنگی را نیز فراهم آورند (کارمونا و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۹۵) بنابراین می‌توان فضای شهری را پهنه‌ای کالبدی دانست که وقوع تعاملات اجتماعی و حضورپذیری شهروندان در آن جزء لاینفک این فضا بوده و این حضور است که روح را به کالبد فضا می‌دمد.

فضای شهری زمانی که خصلت اسلامی بودن را به خود می‌گیرد، باید واجد خصوصیتی باشد که تسلیم ذات باری تعالی گردد. فضای شهری اسلامی به معنای فضای تسلیم شده است. فضای تسلیم شده (مسلم) واجد کیفیاتی است که آن فضا را از هر گونه نازیبایی مبرا می‌دارد (ظریفیان‌مهر و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳). در دیدگاه اسلام فضای معماری فضایی است که افزون بر نیازهای مادی، نیازهای روحانی را نیز پاسخ دهد و در صورتی می‌توان به این فضا دست یافت که مؤلفه‌ها و ویژگی‌های بنیادی وابستگی‌ها و رابطه انسان معنوی با فضا را شناخت. خداوند غفور در آیات مختلف (نمل: ۶۰/ق: ۷) به برخی از عناصر طبیعی به‌عنوان مصادیق بهبود کیفیت فضای شهری اشاره فرموده است. در این آیات از باغ‌ها برای بهجت، سرور و زیبایی یاد شده است. همچنین در آیات دیگری به زمین، شب، روز، آفتاب، حرارت محیط، شرایط تهویه طبیعی، ارتفاع ساختمان، سبک ساختمانی، طراحی فضاهای شهری و بافت به‌عنوان مصادیق بهبود کیفیت فضای شهری یاد شده است. به نظر می‌رسد بهترین الگوی بهره‌گیری از مثال‌های خداوند منان در شهر بهشت است (وهابی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۹۵).

اگر انسان تعاملگر فردی مؤمن باشد، انتظار رفتاری اسلامی می‌رود و این در ارتباط با سایر انسان‌های هم‌عرض خود نیز صادق خواهد بود (مدل فضای شهری اسلامی) زمانی محقق خواهد شد که طرف دیگر این مبحث یعنی کالبد، خصوصیات اسلامی بودن را نیز داشته باشد (ظریفیان‌مهر و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵) در ترجمان فضای شهر، همواره سیر از ظاهر پدیده‌ها به باطن آنها همراه است. چنین سیری، اصل حاکم بر خلق فضا در شهر اسلامی است. این ویژگی، نقطه تمایز فضا در مکتب اسلام با سایر مکاتب است (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۴) قوانین عمومی طراحی اجتماعات مسلمین باید شرایط لازم اسلام را که در قرآن و سنت به آنها اشاره شده، به عرصه ظهور

برسانند (اخوت و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۸۶).

۴. اصول طراحی فضاهای شهری اسلامی

از جمله اصول بنیادین شهروندی و شهرسازی در اندیشه اسلامی می‌توان به مواردی چون اصل هدفمند زیستن، اصل کرامت انسان، اصل رفاه، اصل تواضع و فروتنی، اصل توحید محوری، اصل معادباوری، اصل احترام... اشاره نمود که در ذیل به بررسی هرکدام از این اصول پرداخته می‌شود. تأثیر این اصول در شهرسازی اسلامی ایرانی شامل موارد زیر است:

توحید محوری: اساس و بنای اسلام بر توحید شکل گرفته است. این اصل وجه تمایز دین مبین اسلام با سایر ادیان می‌باشد. این اصل در شهر اسلامی باید محور همه کارها و مسائل شهری بوده و همچنین ساختار و کالبد شهری براساس آن استوار گردد. همان‌گونه که وجه تمایز دین مبین اسلام با سایر ادیان در توحید می‌باشد این وجه تمایز در میان متفکران مسلمان با غربی‌ها در بنا و کالبد شهری هم معنای مشهودی پیدا می‌کند. زیرا در جوامع مدرن در بنای شهر تمرکز بر امور مادی و جنبه نفسانی و نه ابعاد معنوی و روحی انسان می‌باشد (نقی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۴۴۴) درحالی‌که متفکران و معماران اسلامی در تلاشند که ضمن بنای شهر، رشد و تعالی را در بنا و معماری شهر لحاظ نمایند.

اصل هدفمند زیستن: یکی از گرایش‌های متضاد عصر ما این است که به‌رغم توسعه شهرنشینی، خود شهر، هر روز بیشتر ناپدید می‌شود (Markus, 1998, p.9) گویی که پس از رسیدن به شهر، جایی وجود ندارد. اصل هدفمند زیستن که نشانگر غایت محوربودن و هدفداربودن زیست انسان است باید در تمامی بخش‌های مرتبط و تأثیرگذار در حوزه مسائل شهری مدنظر باشد. این موضوع در مباحثی همانند: ۱. گزینش مکان و جهت‌گیری جغرافیایی ساخت ابنیه (شمالی و جنوبی بودن) و سازگارکردن جهات ابنیه با شاخص‌هایی مانند قبله؛ ۲. مرکزیت و محوربودن اماکن مهم و مذهبی در شهرها مانند مساجد مهم و قبور امامان و امامزادگان؛ ۳. ایجاد تعادل میان مراکز دینی، خدماتی، بهداشتی برای برطرف ساختن نیازهای همسوی مادی و معنوی مطرح هستند.

اصل کرامت انسان: کرامت و بزرگی نوع انسانی است و اختصاص به هیچ فرد و گروه خاصی ندارد، یکایک انسان‌ها از کرامت بهره مند بوده و همگی آنان در برخورداری از این صفت برابر و

یکسانند و منشأ این کرامت نیز صرفاً انسان بودن و فرزند آدم بودن است. نمونه کاربرد آن در تنظیم و تسبیق روابط شهری و شهروندی، وضع و تدوین قوانین حاکم در حوزه مناسبات شهری و تصویب طرح‌ها و پیشنهادها ناظر به نهادها در شهرهای اسلامی باید تماماً بر پایه کرامت انسانی صورت پذیرد؛ زیرا در جامعه که بر مبنای آرمانشهر اسلامی برپا شده هر نوع تقنین و تصویب و سامانه منافی با کرامت انسانی ملغی و بالاثرب است. مناسبات مدیران و نهادهای مدیریتی و عوامل اجرایی با شهروندان اعمال خدمات بهداشتی، درمانی، تفریحی، زیستی و همچنین خدمات رسانی به نیازمندان و طبقات بهره مند از اعانات هم باید با رعایت اصل کرامت صورت پذیرد (ر.ک: کیانی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵-۳).

عدالت محوری: اساس بنای آسمان‌ها و زمین بر عنصر عدالت طراحی شده است. این عنصر یکی از مهم‌ترین محورها در برنامه‌ریزی شهری است. لذا مشاهده می‌کنیم که متخصصان و اندیشمندان در طول دوره‌های مختلف، از عدالت در طراحی و برنامه‌ریزی شهری استقبال کرده‌اند. آنچه از عدالت در ذیل عنوان، مورد نظر است بنا و کالبد شهر اسلامی است که باید براساس عدل و عدالت پایه گذاری شود. یعنی هریک از اجزای کالبد شهری باید در جایگاه صحیح خودش قرار بگیرد، تا عدالت در طراحی شهر اسلامی به منصف ظهور برسد. همان‌گونه که امام علی ع بدین معنا اشاره کرده و می‌فرمایند: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا» (نهج البلاغه، ح ۴۳۷) لذا معماری اسلامی یعنی تناسب بین کالبد شهر با اهداف آرمان‌های اسلامی به گونه‌ای که هر ناظر بیرونی به محض مشاهده اندام شهر اسلامی مفاهیم، کارکرد و آرمان‌های اسلامی را از آن دریابد (صدری‌فر و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۹) همچنین، توزیع مناسب کاربری‌ها و خدمات شهری عوامل موثری هستند که با ارضا نیازهای جمعیتی، افزایش منافع عمومی و توجه به استحقاق و لیاقت افراد می‌توانند با برقراری عادلانه‌تر عدالت اجتماعی و اقتصادی و فضایی را در مناطق شهر برقرار نمایند (وارثی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۱).

توجه به احترام و حفظ طبیعت و محیط زیست: یکی از قابل توجه‌ترین ویژگی‌های شهر اسلامی در مفهوم سنتی آن، عبارت بوده است از سازگاری کامل آن با بوم طبیعی و هماهنگی آن با آب و هوا و سایر شرایط طبیعی و اقلیمی. شهر اسلامی هرگز به نحوی ساخته نشده است که نشانگر مخالفت انسان با طبیعت باشد، بلکه به عکس، همواره همساز و همسو با نیروها و عناصر طبیعت بنا شده است. در ساختن این شهرها، حداکثر استفاده از نور، باد، سایه، و موادی که در

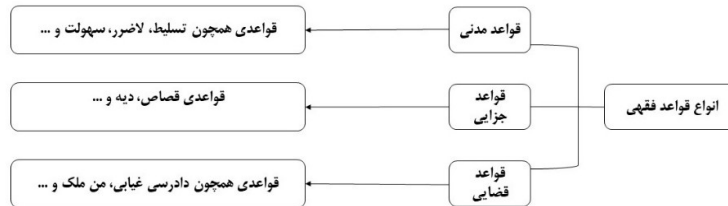
دسترس بوده به عمل آمده و این مواد به نحوی مورد استفاده قرار گرفته است که اگر زمانی مردم شهر را ترک می‌کردند، این مواد به‌طور طبیعی به آغوش طبیعت بازمی‌گشته است (صدری‌فر و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۵).

اصل احترام: اساساً محترم شمردن بازخوردی دوچندان دارد و حال در اینجا احترام به سه مقوله مدنظر است. اول آنها احترام به طبیعت است و همسازی با طبیعت. دوم احترام به انسان است که در این میان موارد چندی در جهت محترم شمردن عابر مطرح می‌شود؛ از جمله: احترام به تجربه عابر پیاده، شامل رعایت مقیاس انسانی، رعایت قلمرو و حریم، شمول‌گرایی زمانی، جنسیتی و قشری، غنابخشی، امکان زدن رنگ تعلق بر محیط، فراهم‌کردن آرامش و آسایش و پاکیزگی. رعایت این موارد در حکم ارج نهادن و احترام به انسان و عابر پیاده می‌تواند قلمداد شود و سوم احترام به بنا است. رعایت حریم و حدود بنا، تعریف فضایی بنا و محترم شمردن سن و سال بنا از موارد مهم در محترم شمردن بنا است.

احترام به حقوق سایرین و شهروندان: در اسلام توجه به حقوق شهروندی و احترام به دیگران بر مبنای واقعیت و مبتنی بر مصالح و مفاسد نفس الامری می‌باشد (سیدولی‌لو، ۱۳۹۵، ص ۱) یکی از مهم‌ترین مولفه‌های حقوق شهروندی رعایت احترام به حقوق دیگران در روابط اجتماعی است، «أَحِبِّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ؛ آنچه را برای مردم می‌خواهی، برای خود نیز بخواه» بنابر فرمایش رسول گرامی اسلام ﷺ، انسان باید به فکر آسایش و آرامش هم‌نوعان خود باشد (لیلیان، ۱۳۹۵، ص ۲) از این رو احترام به دیگران از نظر اسلام امری قطعی و مهم بوده و منجر به تسری آرامش در جامعه می‌شود.

۵. قواعد فقهی در برنامه‌ریزی و طراحی شهر اسلامی

علم اصول فقه، روش کشف و استنباط احکام شرعی است، ولی قواعد فقه نهادها و بنیادهای کلی فقهی هستند که باتوجه به کلیت و شمول خود، فقیه در موارد مختلف از آنها استفاده می‌کند (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۲-۳). بر این اساس قواعد فقهی مربوط به شهرسازی همچون (قاعده لاضرر، قاعده تسلیط، قاعده محرمیت و...) بخشی از قواعد مدنی به حساب آمده (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۶۸-۴۰) که به شرح این قواعد مرتبط با عرصه شهرسازی می‌پردازیم. قواعد فقهی به‌طور کل به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱- قواعد مدنی ۲- قواعد جزایی؛ ۳- انواع قواعد قضایی (ر.ک:



جدول ۲- قواعد فقهی مؤثر در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری (برگرفته از قواعد مدنی)

ردیف	عنوان قاعده	بحث قاعده (مرتبط با شهر)
۱	قاعده لاضرر	طراحی شهر باید به نحوی صورت گیرد که باعث ضرر و زیان هیچ یک از شهروندان نشود.
۲	قاعده محرمیت	بناها و شهرهای اسلامی باید طوری طراحی شوند که ضمن برخورداری از فضاهای آزاد، هوا و نور و... پوشیدگی و حجاب زندگی فردی و خصوصی تضمین شود
۳	قاعده وحدت	ساخت و ساز شهر باید به‌صورتی باشد که رعایت وحدت در اولویت قرار گیرد.
۴	قاعده حق روشنایی	ساخت و ساز به شکلی باشد که مشکلی برای تهویه و روشنایی سایر اماکن ایجاد ننماید
۵	قاعده تسلیط	هرکس بر ملک خود تسلط داشته و هیچ کسی نمی‌تواند این تسلط را لغو نماید
۶	قاعده لاجرح	می‌باید در استفاده از احکام، شرعیات، فضاها و... لاجرح و سهولت وجود داشته باشد
۷	قاعده ائتلاف	هرکسی که مستقیماً باعث از بین رفتن مال کسی و یا آسیب به کسی شود، ضامن است آن را جبران نماید
۸	قاعده تسبیب	هرکسی که اقدامی نماید و نتیجه آن منجر به آسیب به کسی یا چیزی شود، ضامن است آن را جبران نماید (مستقیماً منجر به آسیب نشده است)

۱- قاعده فقهی لاضرر و لاضرار: بررسی موارد استفاده واژه‌های ضرر و ضرار در منابع اسلامی نشان می‌دهد که ضرر شامل کلیه ی خسارت‌ها و زیان‌های وارد بر دیگری است، ولی ضرار مربوط به مواردی است که شخص با استفاده از یک حق یا جواز شرعی به دیگری زیان وارد سازد که در اصطلاح امروزی از چنین مواردی به سویی استفاده از حق (Abusing of Right) تعبیر می‌شود (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۴۰) طراحی شهر باید به نحوی صورت گیرد که باعث ضرر و زیان هیچ یک از شهروندان نشود. در این دیدگاه، تصمیمات فردی و حقوق فردی نیز نباید موجب آسیب رساندن به دیگران شود. یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه مانند معاملات و عبادات به آن استناد می‌شود قاعده لاضرر است که مستند بسیاری از مسائل فقهی محسوب می‌شود. مهم‌ترین دلیل برای نفی ضرر و ضرار منبع چهارم فقه یعنی عقل است (قلندریان و

همکاران، ۱۳۹۳، ص ۸) کلمه ضرار بنا به نقل قولی از مصدر مفاعله می‌باشد و اگر چنین باشد معنای ضرار به جهت دوطرفه بودن باب مفاعله عبارتست از: ضرر بر غیر در مقابل ضرری که از غیر بر او وارد شده است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۸) امام خمینی فرموده‌اند: ضرر و اضرار، بیشتر به معنای کاستی وارد کردن در مال و جان به کار برده شده است و ضرار و واژه‌های مترادف آن به معنای در تنگنا قرار دادن و ایجاد ناراحتی و مشقت به دیگران است (نوحی، ۱۳۸۴، ص ۳۱-۴۰).

قاعده لاضرار درباره سمره‌بن جندب است.^۱ رسول اکرم ﷺ سمره را مضار خواند، و ناگفته پیداست که وی با استفاده از حق خود می‌خواست که به صاحب منزل زیان رساند (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۴۳) بر اساس قاعده لاضرر تصرفات در ملک شخصی باید مبتنی بر اصول و ضوابطی باشد که سبب اضرار به دیگران نشود و متقابلاً دیگران نیز در اعمال حقوق خود طوری عمل نمایند که زبانی از تصمیم‌ها و فعالیت‌های آنان متوجه غیر نگردد. در توضیح این قاعده حقوقدانان معتقدند که: اگر تصرفات شخصی در ملکش بیش از حد متعارف باشد، مثلاً در شهری متعارف نیست که ساختمان ده طبقه بسازند، ولی مالکی در ملک خود چنین کرده و در نتیجه علاوه بر اشراف بر خانه‌های اطراف، همسایه‌ها را از هوا و نور آفتاب محروم کند، در چنین صورتی یقیناً جای قاعده "لاضرر" است و اگر مالک اقدام به ساخت نمود، دادگاه موظف است جلو او را بگیرد و اگر خسارتی متوجه همسایه شد، ملزم به جبران آن خواهد شد (قلندریان گل خظمی، ۱۳۹۵، ص ۱۴).

توسعه عمودی شهر یا بلندمرتبه‌سازی در سال‌های اخیر به یکی از راهبردها و برنامه‌های توسعه شهری تبدیل شده که البته مزایای متعدد دارد. لیکن در صورت ضعف در برنامه‌ریزی می‌تواند اثرات منفی زیادی بر کیفیت زندگی و فضای شهری از جوانب کالبدی، فضایی و معنایی بگذارد. بطور کلی می‌توان گفت توسعه عمودی شهری می‌تواند به بسیاری از مسائل شهری مانند کمبود زمین، مسکن، کاهش حمل و نقل، کاهش هزینه تأسیسات شهری، جلوگیری از رشد افقی شهرها، کاهش آسایش و زیست و... پاسخ دهد (شماعی و جهانی، ۱۳۹۰، ص ۷۴). اما فارغ از این

۱. سمره در محوطه‌ای متعلق به یکی از انصار درخت خرمايي داشت و برای سرکشی به درخت خود بدون اجازه وارد آن خانه می‌شد و به محوطه می‌رفت. مرد انصاری به حضرت رسول اکرم ﷺ شکایت نمود. اما با موعظه و پیشنهاد خرید درخت و حتی پیشنهاد معنوی و پاداش روز قیامت وی از عمل خود دست نکشید. در این موقع رسول اکرم ﷺ به آن مرد انصاری فرمود: درخت را از ریشه برآور و نزد وی بینداز که اسلام دین ضرری نیست (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۲۹۲).

جنبه‌های مثبت، در بسیاری از موارد بلندمرتبه سازی باهدف صرفه‌جویی در مصرف زمین گران قیمت و سوداگری مورد توجه قرار می‌گیرد و این عمل غالباً منجر به شکستن حریم و کاهش محرمیت و ایجاد خرد اقلیم و سایه اندازی بر خانه‌های اطراف (عدم امکان استفاده از نور طبیعی مستقیم) و افزایش تراکم جمعیتی و آلودگی‌های زیست محیطی و ترافیک و تشدید خسارات ناشی از حوادث طبیعی و مصنوعی بر محدوده‌های همجوار می‌شود که به یقین بواسطه تأثیرات منفی بر کالبد و عملکرد شهر و منظر آن می‌تواند مصداق عبور از قاعده لاضرر باشد. همچنین در این قاعده فقهی بیان می‌شود که مدلول حدیث لاضرر و لاضرار بیان حکم تکلیفی حرمت وارد ساختن زیان ابتدائاً، یعنی نباید کسی به دیگری ضرر بزند و نیز حرمت مجازی دفع ضرر به وسیله ضرر است. به این معنی که مثلاً کسی مجاز نیست دیوار خانه دیگری را خراب کند، و اگر چنین کاری کرد، صاحب دیوار نباید برای مقابله دیوار خانه او را خراب کند (عبداللهی، ۱۳۹۸، ص ۵) لازم به ذکر است که در آیات ۲۳۱ و ۲۳۳ و ۲۸۴ سوره بقره و همچنین آیه ۱۲ سوره نساء و در احادیث منتسب به پیامبر گرامی اسلام ﷺ و امام صادق نیز به این قاعده اشاره شده است. جدول ذیل مصداق استفاده از قاعده لاضرر در فضای شهری را نشان می‌دهد.

جدول ۳- مصادیق کاربرد قاعده لاضرر در فضای شهری

پیشنهاد	مصداق در فضای شهری	نوع تأثیر در فضای شهری	اصل	قاعده
تنظیم قوانین مرتبط با ساخت و صدور پروانه به‌صورتی که عرض گذر و ارتفاع ابنیه مجاور امکان سایه اندازی و ایجاد مشکل در تهویه و تأمین نور را نداشته باشد؛ در طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری باید چنانچه دسترسی ایجاد و یا کم	<p>نزدیکی و ارتفاع بناها منجر به ایجاد مشکل در ارتباط با دریافت نور و تهویه و همچنین عدم رعایت محرمیت شده است</p> 	<p>ارتفاع ابنیه، نور و تهویه و محرمیت را برای سایر بناهای اطراف مشکل ساز نمایند؛ طراحی و ساخت بناها و فضاهای شهری به گونه‌ای نباشد که امنیت عبور و مرور (به‌خصوص در مواقع خاص) را</p>	<p>طراحی و برنامه‌ریزی فضای شهری باید به‌شکلی باشد که</p>	<p>قاعده لاضرر</p>

پیشنهاد	مصادق در فضای شهری	نوع تأثیر در فضای شهری	اصل	قاعده
	<p>عدم توجه به فضای شهری می‌تواند منجر به ایجاد فضای شهری بی دفاع و اخلال در امنیت شهروندان شود</p> 			
	<p>برخی فعالیت‌ها در فضاها شهری به دلیل عدم ساماندهی درست می‌توانند مشکلات فراوانی را چه از منظر تردد و چه از منظر بهداشتی و روانی برای سایر شهروندان ایجاد نمایند.</p> 			

۲- قاعده فقهی حرمت و محرمیت: بناها و شهرهای اسلامی باید طوری طراحی شوند که ضمن برخورداری از فضاهای آزاد، هوا و نور و... پوشیدگی و حجاب زندگی فردی و خصوصی تضمین شود. یعنی اینکه بلند مرتبه سازی در شهرهای جهان اسلام نباید حریم خصوصی افراد را از بین ببرد. در این اصل، شخص باید بتواند بدون نظاره دیگران زندگی کند. از منظر این قاعده فقهی، هر فضایی برای خود حریم دارد و هیچ فضایی نباید حریم و محرمیت فضای دیگر (به خصوص کاربران فضای خصوصی) را خدشه دار نماید. در واقع فضایی را می‌توان فضای محرم دانست که از نظر کالبدی برای استفاده‌کننده دارای حریم، مصونیت و امنیت بوده و کیفیت فضایی آن به گونه‌ای باشد که آرامش و آسایش فرد را تأمین نماید. پر واضح است که امنیت داشتن بصری در این فضا تنها بخشی از ویژگی‌های آن است و مفهوم آسایش و آرامش دامنه بسیاری بزرگتری را شامل

می‌گردد. پیرامون مسئله محرمیت و حفظ حریم می‌توان به آیات ۲۷ و ۳۱ و ۶۱ سوره مبارکه نور و همچنین آیه ۲۳ از سوره مبارکه نساء اشاره نمود و همچنین است آیه ۸۰ از سوره مبارکه نحل و آیات ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ سوره مبارکه نور مطالبی را در باب این موضوع ارائه داده‌اند (اغتیابی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲-۴).

جدول ۴- مصادیق مربوط به قاعده محرمیت در فضای شهری

پیشنهاد	مصادیق در فضای شهری	نوع تأثیر در فضای شهری	اصل	قاعده
<p>بازنگری در قوانین مرتبط با ارتفاع بناها به‌خصوص از ارتباط با عرض گذر و ساختمان‌های مجاور؛ ساماندهی بحث بازسازی ساختمان‌های و طراحی درست آنها جهت کاهش حداکثری دید به ساختمان‌های مجاور؛ در زمین‌های بزرگ بهتر است که بناها در بخش مرکزی زمین احداث شده و با چپوشش گیاهی و کاشت درختان پربرگ، از دید و اشرافیت کاسته.</p>	<p>پنجره‌های روبروی هم در خیابان‌هایی با عرض کم که منجر می‌شود محرمیت خدشه دار شود</p>  <p>ساختمانی بلند مرتبه در میان بافتی کم ارتفاع اشرافیت را زیاد و محرمیت را کم رنگ می‌کند</p> 	<p>ارتفاع اولیه روبرو و مجاور و نوع بازوها باید به شکلی باشد که دید به حریم همسایه و ساختمان مجاور را به حداقل برساند؛ در محدوده‌ای که بناها یکدست بوده و ارتفاع مشخصی دارند باید تا حد امکان از احداث بناهای بلندمرتبه که دید کامل به اطراف ایجاد می‌نماید جلوگیری شود؛ احداث بناهای عمومی باید به شکلی باشد که دید به بناهای شخصی ایجاد ننماید</p>	<p>طراحی و برنامه‌ریزی فضای شهری باید به شکلی باشد که حرمت و محرمیت بناها و ساکنان آن حفظ شود</p>	<p>قاعده حرمت و محرمیت حقوق اسلامی / اصغر مولایی و حسین خانی</p>

۳- قاعده فقهی تسلیط: این قاعده بیان می‌کند که انسان به اموال خویش تسلط داشته و کسی نمی‌تواند مزاحم این تسلط شده و در اموال دیگران بدون اذن و رضای مالک تصرف نماید. قاعده تسلیط که به قاعده تسلیط یا قاعده سلطنت نیز مشهور است بر اساس حدیثی از پیامبر مطرح می‌گردد: مردم بر اموال خویش مسلط هستند. «مفاد قاعده مرکب از دو جزء ایجابی و سلبی است: هر مالکی بر انواع تصرف‌ها در امور خویش مسلط است و هیچ شخص یا نهادی نمی‌تواند سلطنت وی را بر اموالش محدود سازد» (علیدوست و ابراهیمی راد، ۱۳۸۹، ص ۷). به عبارت دیگر به موجب

این قاعده اصل بر آن است که همه گونه تصرفات برای مالک مجاز است، مگر آنکه به موجب دلیل شرعی خلاف آن ثابت گردد. حدود اختیارات مالک بر طبق این قاعده مطلق نیست. بدون شک شارع مقدس در امر تسلط انسان‌ها بر اموالشان محدودیت‌هایی را اعمال کرده است؛ بنابراین نصوص دینی بر این متفق‌اند که «هرگاه از ناحیه تصرف متصرف، خسارتی بر دیگران وارد شود، به گونه‌ای که عرفاً خسارت به متصرف اسناد داده شود، او ضامن خواهد بود» (حرّ عاملی، ۱۴۰۵، ص ۱۷۹-۱۸۱).

این قاعده قبل از اینکه شرعی باشد عقلایی بوده و پیوسته از زمان قدیم تا عصر حاضر بنای عقلا بر آن بوده و در این امر فرقی میان ارباب ملل الهی و غیر الهی نیست. حتی کسی که در گفتار منکر این قاعده است در کردار به آن پایبند بوده و برای انسان این حق را قائل است که در ملک خویش هرگونه تصرفی که بخواهد انجام دهد مگر تصرفی که شرع یا قوانین معتبر از آن منع کرده باشند (عابدی سراسیا، ۱۳۹۵، ص ۷) نمی‌توان فقیهی را یافت که قائل به سلطنت مطلق مالک بدون هیچ قید و شرطی باشد مگر اینکه مزاحمت و فوت مال لازمه طبیعی تصرف باشد. در جدول ذیل، مصادیق و نمونه‌های مرتبط با قاعده تسلیط در فضای شهری ارائه شده است.

جدول شماره ۵- مصادیق مربوط به قاعده تسلیط در فضای شهری

پیشنهاد	مصادیق در فضای شهری	نوع تأثیر در فضای شهری	اصل	قاعده
بازبینی قوانین موجود در ارتباط با تملک املاک شخصی که در توسعه فضاهای شهری قرار میگیرند تا مابین معابر حقی از کسی تخصیص نگردد؛ ساماندهی فضاهای مقابل مسافله بهخصوص در گذرها جهت رفع انسداد	این قاعده هیچ حقی را برای اشغال معبر عمومی که مزاحمت ایجاد می کند، ایجاد نمی نماید.  برخی فعالیتها باعث ایجاد مزاحمت برای شهروندان می شوند چون فضای مقابل ملک خود را نیز بخشی از ملک خود می پندارند. 	در برنامه ریزی و طراحی فضاهای شهری چنانچه نیاز به تملک فضای شخصی است، بایستی رضایت ایشان جلب شود؛ شخص مالک می تواند هرگونه اقدامی روی ملک خود انجام دهد (البته چنانچه بر مبنای قاعده لاضرر، به منافع عمومی آسیب نرساند).	هر شخص و سازمانی بر روی دارایی های خود تسلط داشته و هیچ شخص یا سازمانی نمی تواند بدون اجازه مالک آن تسلط داشته باشد.	قاعده تسلیط

۴- اصل یا قاعده لاضرر: در این قاعده بیان می شود که بایستی در استفاده از احکام، شرعیات، فضاها و... لاضرر و سهولت وجود داشته باشد؛ از این رو چنانچه از این قاعده در شهر استفاده کنیم مفهوم آن این خواهد بود که در ساماندهی و ساخت فضاهای شهری، بایستی سهولت در دسترسی و استفاده از فضاها مد نظر طراحان و برنامه ریزان قرار گیرد (عندلیب، ۱۳۹۷، ص ۸).

جدول ۶- مصادیق مربوط به قاعده لاجرح در فضای شهری

پیشنهاد	مصادیق در فضای شهری	نوع تأثیر در فضای شهری	اصل	قاعده
ساماندهی فضاهای شهری به خصوص معابر برای امکان دسترسی تمامی افراد از هر سن و جنس به فضاها و اماکن	عدم سهولت در دسترسی به برخی فضاهای شهری برای افرادی که دارای مشکل خاص هستند	در طراحی و احداث فضاهای شهری باید سهولت در دسترسی به این فضاها وجود داشته باشد؛ در طراحی و ساخت فضاهای شهری باید	در استفاده از احکام، شرعیات، فضاها و مکان‌ها و... باید سهولت وجود داشته باشد.	قاعده سهولت



۱۷۳ اصل یا قاعده اتلاف: در این قاعده بیان می‌شود که اگر کسی باعث آسیب رسیدن به مال کسی شود باید آن را جبران نماید. همچنین بیان می‌شود هرکس بر شما تجاوزی نماید به مثل آنچه که انجام داده انجام دهید. تلف در اصطلاحی فقهی و حقوقی به معنای از بین رفتن عین مال یا منافع عقلایی و قانونی مال، خود به خود یا به موجب حوادث (اسدی، ۱۳۹۷، ص ۶).

فقیهان در موارد مختلف جهت اثبات ضمان و مسئولیت مدنی به قاعده اتلاف تمسک جستجو می‌کنند. ایشان این قاعده را با عبارت "من آتلف مآل الغیر فهو لهضامن" عنوان نموده و در اعتبار آن چنین گفته‌اند که اثبات این که اتلاف موجب ضمان است، نیازی به بیان ادله ندارد؛ همین که ضرورت و اجماع و نصوص فراوانی دلالت بر این می‌کند که مال، عمل و عرض و خون مسلمان محترم بوده و نمی‌توان به آن ضرر وارد کرد، بر قاعده دلالت دارد (انتظاری و محقق داماد، ۱۳۹۱، ص ۹).

اتلاف بر دو قسم است: اتلاف حقیقی و اتلاف حکمی. اتلاف حقیقی آن است که شخصی مال دیگری را به کلی از بین ببرد، مثلاً لباس یا فرش او را بسوزاند یا خانه اش را خراب کند، ولی در اتلاف حکمی نفس مال از بین نمی‌رود بلکه با بقای اصل مال، مالیت آن نابود می‌شود. مثلاً شخصی وسایل سرمایش متعلق به دیگری را در فصل تابستان در مکانی مخفی کند و در زمستان آن را اظهار و به صاحبش بازگرداند. هر چند عین آن را نابود نکرده اما آن را از مالیت و ارزش انداخته است و مرتکب اتلاف حکمی شده. در اتلاف وجود اعتباری مالی که تلف می‌شود بر ذمه قرار

می‌گیرد و تلف‌کننده باید از عهده این ذمه بر بیاید (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۱۱۴).

در منابع واژه مال شامل منافع و همه آن چه که انسان بدان نیازمند است و بطور مستقیم و یا غیر مستقیم در سلامتی، رشد و تمامیت جسمانی او تأثیر گزار است و قابلیت بهره برداری دارد، می‌شود. بنابراین میتوان بر این نظر بود که «قاعده اتلاف تنها ناظر به خسارات مالی نیست، بلکه ضرورت جبران خسارات دیگر، از جمله خسارات معنوی نیز از آن قابل استنباط است. چرا که، طبق ادله مورد استناد، مفاد قاعده این است که هرکس موجب خسارت شخص دیگر در مال، منافع، جان، آبرو، حیثیت و یا هر حق دیگر شود ضامن است و اختصاص به تلف مال ندارد» (انتظاری و محقق داماد، ۱۳۹۱، ص ۴۵).

بنابراین بر اساس این قاعده فقهی چنانچه شخص حقیقی یا حقوقی به صورت عمد یا غیر عمد باعث آسیب رسیدن به مال کسی شود، ضامن است آن را جبران نماید (اسدی، ۱۳۹۷، ص ۲-۴) لازم به ذکر است که در قرآن کریم و بنا بر آیاتی همچون «من اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم و من اتلف مال الغیر فهو له ضامن» (بقره: ۱۹۴) درباره این قاعده بحث شده است. جدول ذیل مصداق قاعده اتلاف در فضای شهری را نشان می‌دهد.

جدول ۷- مصادیق مربوط به قاعده اتلاف در فضای شهری

پیشنهاد	مصادیق در فضای شهری	نوع تأثیر در فضای شهری	اصل	قاعده
توجه به امکان دسترسی به فضاها و اماکن برای تمامی افراد حتی دارای معلولیت: ساماندهی مشاغلی که در محیط‌های مسکونی فعال هستند و توجه به مطلوبیت و سازگاری آنها با بافت موجود؛ بازنگری در قوانین و استانداردهای ساخت فضا به‌خصوص در ارتباط با گودبرداری	 <p>تخریب و نوسازی ساختمان، منجر به آسیب دیدگی به ساختمان مجاور آن شده است.</p>  <p>برخی فعالیت‌ها علاوه بر آلودگی بصری، آسایش ساکنان را نیز سلب می‌نمایند.</p>	<p>اقدام یا انجام فعالیتی که منجر به خسارت به فعالیت سایرین و استفاده آنها از فضا می‌شود؛</p> <p>احداث بنا یا فضایی که منجر به خسارت به بناها و فضاهای دیگر شود</p>	اگر کسی باعث آسیب رسیدن یا تلف شدن مال کسی شود، ضامن آن را جبران نماید	قاعده اتلاف

۶. قاعده تسبیب

بسیاری از فقیهان، قاعده تسبیب را شاخه و مصداقی از قاعده اتلاف قلمداد کرده‌اند؛ و اتلاف را به «اتلاف بالمباشرة» و «اتلاف بالتسبیب» تقسیم کرده‌اند (خمینی، ۱۴۰۸، ص ۱۹۰) اما برخی از فقیهان هم با اشاره به روایت سکونی از امام صادق علیه السلام، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند: «هرکس ناودانی یا گودالی در راه مسلمین ایجاد کند یا میخ یا افسار مرکبش را بکوبد، یا چاهی در راه مسلمین حفر نماید و کسی به آنها اصابت کند و به زمین بیفتد، ضامن است»^۲ این‌گونه اظهار نظر کرده‌اند: «انصاف این است که از این روایت قاعده کلی استظهار می‌شود. آن قاعده این است: هر فعلی که از فاعل عاقل مختار صادر شده باشد و آن فعل عادتاً سبب وقوع تلف در مال یا جان مسلمانان

۲. «مَنْ أَخْرَجَ مِنْزَابًا أَوْ كَنَفًا أَوْ أَوْتَدَ وَ تَدًّا أَوْ أَوْتَقَ دَابَّةً، أَوْ حَفَرَ شَيْئًا فِي طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ، فَأَصَابَ شَيْئًا فَعَطَبَ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۵، ص ۱۸۲).

باشد و بین آن فعل و تلف، فعل فاعل عاقل از روی عمد و اختیار به طوری که در نزد عرف و عقلا تلف به او اسناد داده شود، فاصله نشود، فاعل چنین سببی ضامن است» (انتظاری و محقق داماد، ۱۳۹۱، ص ۱۱).

در تسبیب عمل شخص مستقیماً مال دیگری را از بین نمی برد، بلکه رابطه بین عمل شخص و اتلاف مال به این گونه است که اگر آن عمل واقع نشود، تلف مال نیز اتفاق نمی افتد.^۳ وجه اشتراک قاعده اتلاف و قاعده تسبیب این است که در هیچ کدام از این دو قاعده، عمد و قصد اضرار لازم نیست، بلکه همین اندازه که تلف و ضرر به دیگری وارد شود کافی است (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۱۲۰). جدول ذیل مصادیق استفاده از قاعده تسبیب در فضای شهری را نشان می دهد.

۳. برای مثال اگر شخصی حیوان کسی را بکشد متلف است اما چنانچه در مسیر عمومی چاهی حفر کند و حیوان متعلق به دیگری در آن بیفتد و بمیرد مسبب است.

جدول ۸- مصادیق مربوط به قاعده تسبیب در فضای شهری

پیشنهاد	مصادیق در فضای شهری	نوع تأثیر در فضای شهری	اصل	قاعده
<p>توجه بیشتر مدیریت شهری به صدور مجوز ساخت و طراحی فضاهای شهری با عنایت به وضعیت کالبدی بافت مورد نظر</p> <p>توجه بیشتر مدیریت شهری به ساخت و سازها حتی پس از دریافت پلانکار جهت جلوگیری از هرگونه مزاحمت کالبدی</p> <p>توجه و تسریع مدیریت شهری در ساماندهی معابر و گذرها و ارتباط بیشتر سازمان‌های دخیل در مدیریت شهری جهت هماهنگی در هرگونه اقدام عمرانی</p>	<p>تخریب فضاهای عبوری و آسیب رسیدن به بدن و وسایل نقلیه</p>  <p>انباشت غیرصحیح مصالح در معابر شهری با امکان خطر بسیار بالا</p>  <p>برخی اقدامات شخصی در فضاهای شهری منجر به کاهش کیفیت بصری و کاهش ارزش فضا شهری شده که می‌تواند منجر به کاهش ارزش اقتصادی ابنیه سایر شهروندان شود</p> 	<p>تخریب فضای پیاده یا سواره اطراف فضای شخصی یا عمومی که منجر به آسیب رسیدن به شخص یا مال شخصی شود</p> <p>عدم پیروی صحیح مصالح ساختمانی که منجر به آسیب به وسایل نقلیه و یا بروز حادثه گردد</p> <p>دستکاری در ملک شخصی یا فضای شهری به شکلی که اعتبار املاک و فضاهای آن منطقه کاهش یابد</p>	<p>اگر عمل و اقدام کسی منجر به آسیب رسیدن به کسی یا مال کسی شود، آن شخص ضامن است</p>	<p>قاعده تسبیب</p>

دو قاعده مهم معماری نیز می‌توانند در کنار این قواعد فقهی به مطلوب سازی فضاهای شهری کمک نمایند که به شرح ذیل می‌باشند؛

۹- اصل وحدت و یکپارچگی: ساخت و ساز شهر باید به صورتی باشد که رعایت وحدت در اولویت قرار گیرد. یعنی ساماندهی روابط سلسله مراتبی فرم و عملکرد به سمت قلب شهر و نیز وضعیت اکولوژیک ساختمان‌ها با تأکید بیشتر بر نیازهای ویژه خانواده‌ها مورد توجه است (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۷) در شهرسازی سنتی نیز موضوع حرکت از کثرت به وحدت نمایان بوده و در طراحی فضاها مورد تأکید بوده است. ساختار کالبدی و شکلی شهر در نگاه این قاعده باید به شکلی باشد که عناصر در کنار هم و در ارتباط با هم بوده تا بتوان در کنار کثرت عناصر در فضا،

کلیتی یکپارچه و مشخص را تصویر نمود تا فضای برای کاربران آن، گنگ و شلوغ نبوده و آرامش را از آنها صلب نکند.

۱۰— اصل حق دریافت روشنایی و هوای مورد نیاز: در این اصل، ایجاد ساختمان‌های مرتفع، که باعث عدم دریافت نور خورشید و هوای تازه در واحدهای مسکونی دیگر می‌شود، منع می‌گردد و توسعه عمودی مجتمع‌های ساختمانی زمانی پذیرفته می‌شود که این امر، از نظر دریافت نور و گرمای خورشید و هوای تازه برای ساکنان مجاور مشکلی ایجاد نکند (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۹۸).

جمع‌بندی و نتیجه

در این پژوهش با بررسی اصول و قواعد فقهی موجود در کتب و منابع دینی مشخص شد که قواعدی همچون لاضرر و لاضرار، محرمیت، تسلیط، لاجرح، اتلاف و تسبیب دارای بیشترین اثر بر فضاهای شهری و کالبد شهر بوده و استفاده از این قواعد و به‌کارگیری آنها به‌خصوص در تدوین ضوابط و مقررات شهری از سطح کلان تا خرد می‌تواند منجر به کاهش بسیاری از معضلات و مشکلات شهری بوده و به میزان زیادی هزینه‌های مدیریت شهری را کاهش دهد. مطالعات نگارندگان به‌خصوص در محدوده خیابان ۱۵ خرداد تهران نشان داد در وضعیت کنونی مدیریت شهری به‌خصوص در شهر تهران از مبانی قواعد مزبور استفاده‌ای نمی‌شود و بسیاری از بافت‌ها و فضاهای شهری درگیر معضلات متعدد شهری بوده در صورتی که چنانچه این قواعد و اصول مترتب با آنها مورد توجه مدیران شهری و سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران عرصه‌های شهری قرار گیرد، می‌تواند بخش اعظمی از مصائب و مشکلات مطرح شده در این مقاله را کاهش دهد؛ از این رو می‌توان موارد زیر را به‌عنوان موضوعات پیشنهادی مطرح نمود:

— قاعده تسلیط نقش مهمی در پروژه‌های شهری و شهرسازی داراست که تملک اراضی و املاک خصوصی نیازمند احترام به مالکیت خصوصی و رضایت مالکان است. البته در این راستا مصلحت اجتماع و نیاز شهروندان مقدم بر منفعت فرد است که باید برنامه‌ریزی و طراحی و مدیران شهری می‌توانند با حداقل تملک و رعایت حقوق مالکان، اقدام نمایند.

— قواعد ضمان، اتلاف و تسبیب در فضاهای شهری ایجاب می‌نماید که به تمامی حقوق اجتماع در ابعاد مختلف مالی، بصری، فضایی و کالبدی و دسترسی توجه شده و از هر گونه تضییع

حقوق مالکان، عابران، مجاورین و همسایگان و کسبه اجتناب شده و در صورت وقوع به تامین آن اقدام گردد.

— از منظر قاعده فقهی سهولت یا لاجرح، فضاهای شهری و اماکن عمومی باید زمینه عمل به احکام الهی را فراهم نموده و از هر گونه سختی و دشواری در ابعاد مختلف اجتماعی، جسمانی و اقتصادی پرهیز گردد.

— بازنگری و اصلاحات لازم در قوانین حال حاضر جهت کاهش موضوع قانون‌گریزی و کم‌شدن راه‌های دور زدن این قوانین و حذف موارد نامفهوم و غیر واضح.

— آموزش این قواعد به مدیران شهری و کارشناسان امر تصمیم‌سازی جهت توجه هر چه بیشتر به این آموزه‌ها و رعایت موارد در ایجاد تصمیمات مهم در ساختار شهر.

— نظارت همه‌جانبه و ایجاد ساختاری جهت جلوگیری از نقض قوانین.

— تهیه طرح‌های خاص هر موضوع در شهر و مشخص نمودن حدود اعمال آن با توجه به متغیر بودن پدیده‌ها و متفاوت بودن شرایط اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی ولی حفظ ساختار و اصول کلی.

— تنظیم قوانین بالادستی توسط قانون‌گذار به شکلی که شرایط برای تمامی ارگان‌ها، سازمان‌ها و افراد به یک شکل بوده و رانت‌ها و اهرم‌های فشار غیر مؤثر باشند.

— ایجاد نهادهای مردم‌نهاد دارای قدرت جهت توجه و حفظ اصول اسلامی و دینی به خصوص در زمینه اقدامات مدیریت شهری در بافت‌های گوناگون شهر.

منابع

۱. اسدی، بهنام؛ «اتلاف حکمی و موضوعی در حقوق ایران»، فصلنامه علمی — حقوقی قانونی یار؛ ش ۸، زمستان ۱۳۹۷، ص ۵۵۵-۵۷۷.
۲. اغنیایی، الهام و همکاران؛ «نقش محرمیت در معماری اسلامی — ایرانی»، مجموعه مقالات همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران؛ ۱۳۹۴، ص ۲۱-۳۲.
۳. انتظاری، علیرضا و سیدمصطفی محقق داماد؛ «نقش قواعد اتلاف و تسبیب در مسئولیت مدنی»، مطالعات اسلامی: فقه و اصول؛ ش ۸، تابستان ۱۳۹۱، ص ۴۱-۶۱.
۴. ایازی، سیدعلی نقی؛ «تبیین اندیشه اسلامی شهر و شهرنشینی با تأکید بر متون برون دینی»، مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی؛ ۱۳۸۷، ص ۲۵-۴۲.
۵. ایزدی فر، علی اکبر و همکاران؛ «جایگاه قواعد فقه در تمدن اسلامی»، مجموعه مقالات نخستین کنفرانس بین المللی علمی پژوهشی مناسبات علوم انسانی و تمدن اسلامی؛ ۱۳۹۵، ص ۴۶-۶۲.
۶. بemat، نجم الدین؛ شهر اسلامی؛ ترجمه محمدحسین حلیمی و منیژه اسلامبولچی؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۷. بمانیان، محمدرضا و همکاران؛ «تأثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایه عدل در طراحی مسکن»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی؛ ش ۱۲، تابستان ۱۳۹۲، ص ۸۹-۱۰۰.
۸. بمانیان، محمدرضا؛ «معنا و مفهوم شناسی شهر ایرانی اسلامی؛ مبانی نظری و مصداق‌ها»، مجله شهر پایدار؛ ش ۱، زمستان ۱۳۹۳، ص ۶۹-۸۸.
۹. پاکزاد، جهانشاه؛ سیر اندیشه‌ها در شهرسازی از فضا تا مکان؛ تهران: انتشارات شهیدی، ۱۳۸۸.
۱۰. پاکزاد، جهانشاه؛ مفاهیم و مبانی نظری فرآیند طراحی شهری؛ تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۶.
۱۱. پوراحمد، احمد و سیروس موسوی؛ «ماهیت اجتماعی شهر اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی شهر اسلامی؛ ش ۲، زمستان ۱۳۸۹، ص ۱-۱۱.
۱۲. پوراحمد، احمد و علی شماعی؛ بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه جغرافیا؛ تهران:

انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.

۱۳. حاجی ده‌آبادی، احمد؛ قواعد فقه جزایی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.

۱۴. حبیبیان، هما و همکاران؛ «تطبیق شاخص‌های شهرسازی اسلامی در فضای شهری»، مجموعه مقالات همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران؛ ۱۳۹۴، ص ۱۹-۳۲.

۱۵. حرّ عاملی، محمدبن حسن؛ وسائل الشیعة؛ قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۵.

۱۶. حسینی ادیانی، مبارکه؛ تصویرگری و مجسمه‌سازی در فقه امامیه (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)؛ تهران: دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۹.

۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی؛ «اهداف فقه و وظیفه فقیهان در پیام مقام معظم رهبری به نخستین کنگره علمی تخصصی دائرةالمعارف فقه بر مذهب اهل بیت (ع)»، فصلنامه فقه اهل بیت (ع)؛ ش ۱، بهمن ۱۳۷۴، ص ۱-۶.

۱۸. خمینی، سیدروح‌الله؛ تحریرالوسیلة؛ ج ۲، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۰۸.

۱۹. سلطان‌زاده، حسین و همکاران؛ «ارزیابی تطبیقی ساختار میدان در شهرهای دوره اسلامی»، مجموعه مقالات همایش ملی نظریه‌های نوین در شهرسازی و معماری؛ ۱۳۹۷، ص ۱-۱۵.

۲۰. سیدولی‌لو، سیدعزیز و سیامک شاکرسلطان احمدی؛ «نگرش اسلام به صیانت از حریم امنیت عمومی و حقوق شهروندی در طراحی شهرهای اسلامی»، دومین همایش ملی تبیین حقوق شهروندی، ۱۳۹۵، ص ۷۵-۹۴.

۲۱. شهبانیان، پویان و ریحانه اسد؛ بررسی تطبیقی معیارهای شهر اسلامی با قم؛ قم: انتشارات جهاد دانشگاهی قم، ۱۳۹۲.

۲۲. ظریفیان‌مهر، عبدالحسین و همکاران؛ «فضای شهری اسلامی (کیفیت‌ها و مفاهیم) اصول طراحی خیابان مخصوص پیاده»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی معماری ایرانی-اسلامی (سیمای دیروز-چشم‌انداز فردا)؛ ۱۳۹۴، ص ۱۵۷۵-۱۵۹۵.

۲۳. عابدی سرآسیا، علیرضا؛ «قاعده تسلیط و نقش آن در تصحیح قراردادهای نوپیدا با نگاهی به اندیشه‌های امام خمینی (ره)»، پژوهشنامه متین؛ ش ۷۵، تابستان ۱۳۹۶، ص ۱۲۹-۱۵۴.

۲۴. عبدالستار عثمان، محمد؛ مدینه اسلامی؛ ترجمه علی چراغی؛ تهران: انتشارات امیرکبیر،

۱۳۷۶.

۲۵. عبداللهی، هرمز؛ «بررسی فقهی و حقوقی قاعده لاضرر در رویه قضایی کنونی»، فصلنامه بین‌المللی قانون‌یار؛ ش ۹، بهار ۱۳۹۸، ص ۱۱۳-۱۲۸.
۲۶. علیدوست، ابوالقاسم و محمد ابراهیمی راد؛ «بررسی قاعده تسلط و گستره آن»، حقوق اسلامی؛ ش ۲۴، بهار ۱۳۸۹، ص ۷-۳۱.
۲۷. عندلیب، حسین؛ «بررسی و تبیین اصول و قواعد شهرسازی از منظر فقه اسلامی»، دوفصلنامه علمی اختصاصی معارف فقه علوی؛ ش ۶، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۵-۲۶.
۲۸. فیروزی، محمدعلی و همکاران؛ «مدخلی بر شناسه‌های تشخیص بخش شهرسازی و برنامه‌ریزی در شهرهای اسلامی»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس؛ ش ۳۴، زمستان ۱۳۹۶، ص ۲۲۳-۲۶۲.
۲۹. قلندریان گل خطمی، ایمان و همکاران؛ «کاربرد فقه در تحقق منظر شهری امن»، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی؛ ش ۵۵، پاییز ۱۳۹۵، ص ۶۹-۹۸.
۳۰. کارمونا، متیو، تیم هیت، ترواک و استیون تیسل؛ مکان‌های عمومی، فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری؛ ترجمه فریبا قرائی، مهشید شکوهی، زهرا اهری و اسماعیل صالحی؛ تهران: انتشارات دانشگاه هنر، ۱۳۸۸.
۳۱. کارمونا، م و ا. تیزدل؛ خوانش مفاهیم طراحی شهری؛ ترجمه کامران ذکاوت و فرناز فرشاد؛ تهران: انتشارات آذرخش، ۱۳۹۰.
۳۲. گل، یان؛ زندگی در فضای میان ساختمان‌ها؛ ترجمه شیما شصتی؛ تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۷.
۳۳. گلکار، کوروش؛ کندوکاوی در تعریف طراحی شهری؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۷.
۳۴. لطیفی، غلامرضا، حسین خانجی و علی خاکساری رفسنجانی؛ فضای شهری حیات اجتماعی، بستری در تحقق تعاملات اجتماعی؛ تهران: نگارستان اندیشه، ۱۳۹۴.
۳۵. محقق داماد، سیدمصطفی؛ قواعد فقه - بخش مدنی (مالکیت و مسئولیت)؛ تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۲.
۳۶. محقق داماد، سیدمصطفی؛ قواعد فقه؛ چ ۲، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۴.

۳۷. مدنی‌پور، علی؛ طراحی فضای شهری؛ تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (شهرداری تهران)، ۱۳۸۴.
۳۸. مشکینی، ابوالفضل و همکاران؛ «بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر اسلامی با تأکید بر نقش و اهمیت فرهنگ‌سازی در تحقق الگوی شهرسازی اسلامی ایرانی»، شهرپایدار؛ ش ۱، زمستان ۱۳۹۳، ص ۳۷-۶۸.
۳۹. موسوی بجنوردی، سیدمحمد؛ قواعد فقهیه؛ تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
۴۰. نقی‌زاده، محمد؛ «تأملی در چیستی شهر اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی؛ ش ۱، پاییز ۱۳۸۹، ص ۱-۱۴.
۴۱. نقی‌زاده، محمد؛ «شهر اسلامی و روش بهره‌گیری از متون مقدس»، کتاب ماه هنر؛ ش ۱۷۷، بهار ۱۳۹۲، ص ۲۴-۳۵.
۴۲. نقی‌زاده، محمد؛ «صفات شهر اسلامی از نگاه قرآن کریم»، صحیفه مبین؛ ش ۵، ۱۳۷۹، ص ۴۰-۴۴.
۴۳. نقی‌زاده، محمد؛ «طرح کلی برنامه جامع احیای شهر اسلامی»، کتاب ماه هنر؛ ش ۱۳۶، زمستان ۱۳۸۸، ص ۴-۱۳.
۴۴. نقی‌زاده، محمد؛ ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو اسلامی)؛ اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶.
۴۵. نقی‌زاده، محمد؛ جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ شهرهای ایرانی؛ تهران: واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۴.
۴۶. نقی‌زاده، محمد؛ معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)؛ اصفهان: انتشارات راهیان، ۱۳۸۵.
۴۷. نوبهار، رحیم؛ «جلوه‌های حق‌الناس در عرصه عمومی»، مجموعه مقالات همایش حقوق مردم و حکومت دینی در اندیشه امام خمینی؛ ۱۳۹۶، ص ۱۷۹-۲۱۳.
۴۸. نوحی، حمیدرضا؛ قواعد فقهی در آثار امام خمینی؛ تهران: چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)، ۱۳۸۴.
۴۹. وارثی، حمیدرضا و همکاران؛ «بررسی توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی

- جمعیت (مطالعه موردی شهر اصفهان)، «جغرافیا و توسعه؛ بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص ۹۱-۱۰۶.
۵۰. ورشوی، سمیه؛ «امنیت زنان در فضای شهری»، دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری؛ ۱۳۸۹، ص ۱۵-۲۴.
۵۱. وهابی، مریم و همکاران؛ «بررسی مؤلفه‌های کیفیت محیط در طراحی فضای شهری»، مجموعه مقالات کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام؛ ۱۳۹۸، ص ۱-۱۱.
52. Dines, Nicholas & Vicky Cattell; **Public spaces, Social relations and well-being in East London**; London: The policy press, 2006.
53. Efroymsen, Debra & Thi Kieu Thanh Ha, T & Pham Thu Ha; **Public Spaces: How They Humanize Cities**; Dhaka: HealthBridge - WBB Trust, 2009.
54. Jamalinezhad, Mahdi & Seyed Mohammadreza Talakesh & Seyed Hassan Khalifeh, Soltani; **Islamic Principles and Culture Applied to Improve Life Quality in Islamic Cities**; Social and Behavioral Sciences 35, 2012.
55. Lawson, Bryan; **The language of space**; Oxford: Architectural press, 2001.